

گویی قصه بر غصه اسلام هراسی ندارد و حکایت سیاست‌های ضدایرانی مستکبرین غربی همچنان باقی‌است. تنها چند روز پس از کشتار بی‌رحمانه سه دانشجوی مسلمان در شهر «چیل‌هیل» از ایالت کارولینای شمالی، پرده‌ای دیگر از خصومت‌های بی‌پایان یانکی‌ها علیه دانشجویان مسلمان ایرانی به نمایش درآمد! براین اساس «دانشگاه ایالتی ماساچوست» واقع در شهر امهرست ایالات متحده، با صدور اطلاعیه‌ای ۵۷۰ کلمه‌ای تحت عنوان «رویه پذیرش دانشجویان ایرانی» اعلام نمود: «از این پس به شهروندان ایرانی متقاضی تحصیل در رشته‌های دانشکده مهندسی (شامل مهندسی شیمی، مهندسی برق و کامپیوتر، مهندسی مکانیک و صنایع) و دانشکده علوم (شامل فیزیک، شیمی، میکروبیولوژی و مهندسی و علوم پلیمر) پذیرش داده نخواهد شد.»

این دانشگاه در بخشی دیگر از بیانیه خود آورده است: «تبعیت ما از قوانین فدرال ممکن است برای دانشجویان ایرانی درس‌رهایی به دنبال داشته باشد و از این بابت متاسفیم؛ هر چند محرومیت بخشی از دانشجویان از پذیرش با ارزش‌ها و اصول ما سازگار نیست، دانشگاه ملزم به تبعیت از قوانین است و باید رویه و روش‌های خود را با قانون سازگار کند.»

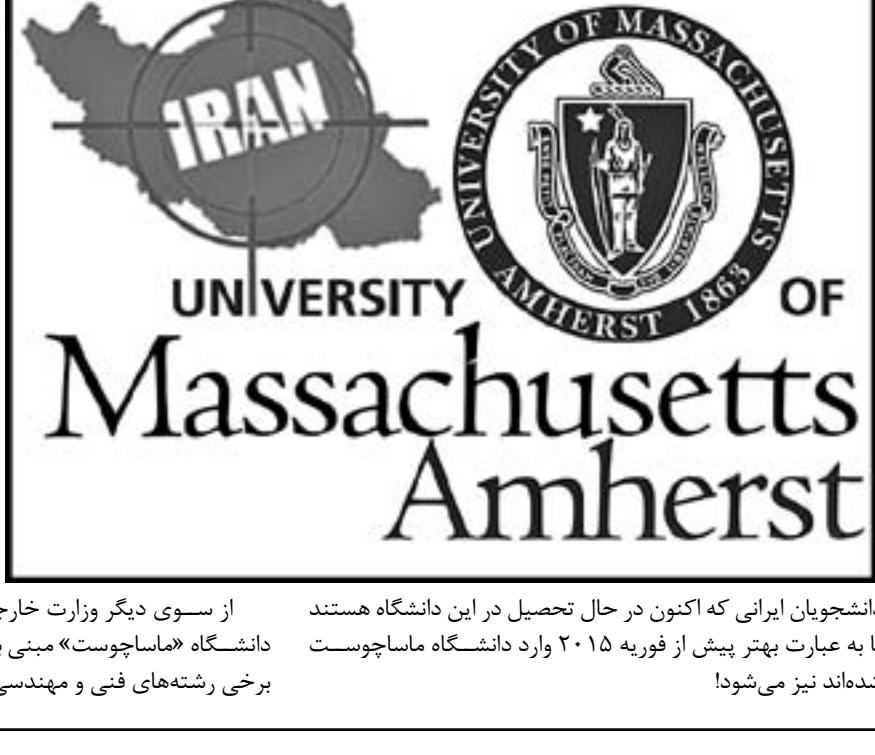
دانشگاه ماساچوست مصمم مبنای تصمیم خود را مصوبه کنفره در سال ۲۰۱۲ و دستورالعملی دانشسته که در جولای سال ۲۰۱۲ از سوی وزارت امور داخلی ایالات متحده منتشر شده و در آن پذیرش شهروندان ایرانی متقاضی تحصیلات عالی با هدف کسب آمادگی برای اشتغال در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و انرژی اتمی ممنوع شده است.

جالب‌تر آنکه در اطلاعیه این دانشگاه تأکید شده است که دانشجویان ایرانی متقاضی ثبت نام در سایر رشته‌های مجاز این دانشگاه هم باید آگاهی خود از محتوای قانون سال ۲۰۱۲ را تأیید کرده و کتاباً متعهد شوند که به این قانون عمل خواهند کرد! علاوه علیرغم اینکه در اطلاعیه مذکور قید شده که این تصمیم از اول فوریه سال جاری میلادی به اجرا گذاشته شده است اما به استناد گزارش اخیر ترامای «هوستون گلوب/Bostonglobe» در ۱۳ فوریه، دستورالعمل تازه دانشگاه ماساچوست شامل حال آن دسته از

دومی‌نو

تحریم‌هایی که تَرک بر نداشته، مستحکم تر می‌شوند!

دومی‌نو ی اخراج دانشجویان ایرانی از دانشگاه نروژ تا کالج ماساچوست



دانشجویان ایرانی که اکنون در حال تحصیل در این دانشگاه هستند یا به عبارت بهتر پیش از فوریه ۲۰۱۵ وارد دانشگاه ماساچوست شده‌اند نیز می‌شود!

تورم

بررسی توفیقات دولت در زمینه کنترل عوامل تاثیرگذار بر تورم

جابه‌جایی رکوردها!

هرینه های جاری دولت	رقم (میلیارد ریال)	درصد رشد
نیمه اول ۱۳۸۴	۱۲۵۹۹۹	۲۵/۶
نیمه اول ۱۳۸۵	۱۹۶۰۲۸	۳۳/۳
نیمه اول ۱۳۸۶	۲۲۲۳۴۴	۱۲/۴
نیمه اول ۱۳۸۷	۲۶۶۲۰۱	۱۹/۹
نیمه اول ۱۳۸۸	۲۷۸۳۴۶	۴/۴
نیمه اول ۱۳۸۹	۳۰۲۸۳۳	۹/۱
نیمه اول ۱۳۹۰	۳۷۷۴۹۲	۲۴/۲
نیمه اول ۱۳۹۱	۴۰۷۸۸۸	۸/۱
نیمه اول ۱۳۹۲	۵۱۳۸۳۳	۲۶
نیمه اول ۱۳۹۳	۶۸۶۹۹۱	۳۳/۷

برای بودجه سال آینده، حاکی از یک جهش عجیب در بودجه نهاد ریاست جمهوری، خصوصا در بخش اعتبارات عمرانی است، به نحوی که رقم بودجه نهاد ریاست جمهوری در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۲ یعنی سال پایانی دولت دهم، به میزان عجیب صددرصد افزایش داشته است! همان‌طور که عنوان گردید، مجموع هزینه‌های جاری نهاد ریاست جمهوری در

بودجه نهاد ریاست جمهوری	بودجه۹۲ – میلیون ریال	بودجه۹۴ – میلیون ریال	رشد – درصد
اعتبارات حقوق و مزایا	۲۱۷۸۲۶	۲۸۰۰۰۰	۲۹
هزینه های جاری غیرحقوق ومزایا	۳۳۲۱۶۴	۳۸۰۰۰۰	۱۴
مجموع هزینه های جاری	۵۵۰۰۰۰	۶۶۰۰۰۰	۲۰
اعتبارات عمرانی	۵۵۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰	۶۸٫۹
مجموع بودجه	۶۰۷۰۰۰	۱۱۱۰۰۰۰	۸۳

سال ۱۳۹۴ نسبت به ۲۰۰۹۳ درصد رشد کرده اما بودجه عمرانی نهاد ریاست جمهوری برای سال آینده حدود ۸ برابر سال ۹۳ (۶۸۹ درصد افزایش) و بیش از ۱۰ برابر سال (۹۱۴ درصد افزایش) از ۴/۴ میلیارد تومان به ۴۵ میلیارد تومان شده است! در مجموع بودجه نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۱۱۱ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که نسبت به رقم ۶۰ میلیارد تومان بود (۳۷/۷ درصد رشد نشان می‌دهد.

رشد چشمگیر بودجه نهاد ریاست جمهوری در حالی است که دولت در کلیات لایحه بودجه سال آینده، ویرکرد انقباضی و ضد تورمی اتخاذ کرده است. در عین حال براساس ادعای معاون رئیس جمهور در دولت

سال ۱۳۹۴ نسبت به ۲۰۰۹۳ درصد رشد کرده اما بودجه عمرانی نهاد ریاست جمهوری برای سال آینده حدود ۸ برابر سال ۹۳ (۶۸۹ درصد افزایش) و بیش از ۱۰ برابر سال (۹۱۴ درصد افزایش) از ۴/۴ میلیارد تومان به ۴۵ میلیارد تومان شده است! در مجموع بودجه نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۱۱۱ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که نسبت به رقم ۶۰ میلیارد تومان بود (۳۷/۷ درصد رشد نشان می‌دهد.

رشد چشمگیر بودجه نهاد ریاست جمهوری در حالی است که دولت در کلیات لایحه بودجه سال آینده، ویرکرد انقباضی و ضد تورمی اتخاذ کرده است. در عین حال براساس ادعای معاون رئیس جمهور در دولت

برای محرومیت دانشجویان ایرانی از تحصیل ندارند و هیچ‌گونه دستورالعمل جدیدی در این زمینه صادر نشده است.

در عین حال اگر چه سایت «Huffingtonpost» در گزارش مرتبطش عنوان داشته است که دانشگاه ماساچوست پس از موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا و انتقادات گسترده به این تصمیم، اطلاعیه خود مبنی بر عدم پذیرش دانشجویان ایرانی در رشته های فنی و مهندسی را از صفحه پایگاه اینترنتی خود حذف کرده اما «دوآرد بلاگوسکی» سخنگوی این دانشگاه، در مصاحبه‌ای اخیر خود تأکید کرده است: «یک

کارمند دانشگاه پس از دریافت تماس‌های فراوان، شخصاً تصمیم گرفته بود که بیانیه را از روی وبسایت کالج ماساچوست بردارد اما در سیاست‌های دانشگاه پیرامون اعمال محدودیت برای دانشجویان ایرانی، هیچ‌گونه تغییری ایجاد نخواهد شد و این بیانیه مجدداً در دسترس است.»

اما این برای نخستین بار نیست که دانشجویان ایرانی مزه تلخ تحریم برای تحصیل در خارج ماه سال جاری بود که دانشگاه علوم فناوری نرروز از ممنوعیت تحصیل دانشجویان ایرانی در برخی رشته‌های فنی این دانشگاه، خبر داد.

با این وجود کمترین انتظار از مسئولین دولتی بالاخص تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشور در قبال مشکلات دانشجویان ایرانی خارج از کشور آن است که به جای سر کشیدن پیاپی فنجان‌های قهوه و پیاده‌روی در خیابان‌های زنون، کمی هم به فکر تَرک انداختن بر ساختار تحریم‌ها باشند!

از سوی دیگر وزارت خارجه آمریکا در واکنش به این تصمیم دانشگاه «ماساچوست» مبنی بر عدم پذیرش دانشجویان ایرانی در برخی رشته‌های فنی و مهندسی، اعلام کرد که این کشور برنامه‌ای

دعوت اسلام به توحید محض، که نمود عینی آن در عبارت «لااله الا الله» تجلی یافته است، نه تنها در قلمرو جغرافیایی جزیره العرب، بلکه نسبت به قلمرو دین و اندیشه بشری، دعوی تازه و جهان بینی نوینی بود. در آن روزگار، معارف حقیقی و راستین موسی کلیم و عیسی مسیح، در دسترس قوم یهود و ملت‌های مسیحی نبود، آنچه به نام خدا پرستی در اندیشه و ذهن مردمان آن دوران نقش بسته بود، ماهیتی متفاوت از حقیقت عرضه شده توسط انبیا داشت. بزرگترین ضعف مکاتب فلسفی آن دوران نیز، فقدان اندیشه توحیدی ناب بود. به بیانی دیگر معارف انبیا، توسط حیلۀ گری کاهنان و اربابان معابد و در جهت تأمین منافع آنان مسخ شده بود. به گونه‌ای که دستوراتی از دین که می‌توانست منافع سودجویان را مورد مخاطره قرار دهد، به مسلخ فراموشی و تحریف سپرده شد. از جمله این حدیثیات «قیام برای خدا» بود. پیدایش اسلام پدایش قیام برای خدا، همان بیداری از خواب غفلت‌ها و راهی از گرداب سنت ملت هاست. چنانچه حتی در قرآن می‌فرماید: «قل انما اعطاکم بواحده ان تقو موا الله / بگو شما را یک اندرز می‌دهم که برای خدا قیام کنید.»

پیدایش دین اسلام با ماهیت انقلابی و بیداری بوده است که از جمله ملزومات آن، توجه به این نکته است که اسلام، یک اندیشه صرف نیست و دعوت‌کننده بشر به عمل و اندیشه انقلابی، راه ایجاد یک نظم نوین جهانی است. گزاره‌ای که در بیسان حضرت امام خاتمانه‌ای چنین عنوان شده است:

«مسئله رویش‌های نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و بی‌دربی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است. جمهوری اسلامی در طول این ۳۵ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز بدهد. افرادی نگران ریزش‌ها بودند؛ گفته شد رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه خواهند کرد و همین شد. آنچه مهم است این است که نگاه نسو تل و همه کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمان‌های بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشند. تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار آس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسل‌ها

را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آنها را شاد کند و آنها را آن چنان که متناسب و شایسته کرامت انسان است، کرامت بخشد. شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدن هستید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده کشور و آینده این تمدن و در واقع آینده جهان، شما جوان‌های امروزید.»

بدیهی است هر گاه حرکتی به سوی هدف شکل بگیرد که توأم با ایستادگی و پایداری در برابر موانع و مشکلات باشد، زمینه ساز شکل گیری اندیشه‌ای نو در غالب گفتمان می‌شود و این گفتمان مخالف و موافق را از خود خواهد داشت. گفتمان پیامبران گفتمانی انقلابی با ریشه و اصل که در پی باز کردن فکر و اندیشه برای ایجاد یک حرکت علمی نو با زمینه‌های علمی و پژوهشی به اصطلاح امروزی برای انسان متفکر در همه قرون و اعصار است تا پیدایشد و فکری نو و طرحی نو دراندازد. انقلاب اسلامی ایران از آن جهت که سرر منشاء آن آموزه‌های اسلام شیعی با ماهیت توحیدی است، توانست با بهره گیری از پتانسیل‌های مقاومتی نهفته در اندیشه تشیع، گفتمانی اصل و منطق با منویات پیامبران الهی ارائه دهد که غلبه بر استبداد داخلی و خارجی اولین دستاورد آن بود. اما این انقلاب جهت دست یابی به هدف غایی خود که همان برقراری حکومت توحیدی در سرتاسر جهان است نیازمند بازنگری در شیوه‌ها و ابزارهای خود (و نه ماهیت و هویت) می‌باشد.

سی و شش سال پیش، هنگامی که استاد شهید مرتضی مطهری، در برابر این سؤال قرار گرفت که آینده انقلاب اسلامی ایران را چگونه می‌بینید؟ شاید کمتر کسی به اهمیت آن پی می‌برد و شاید تصور نمی‌شد که انقلاب اسلامی به یکی از اساسی‌ترین مباحث فکری قرن آینده در آید و پاسخ به این پرسش، به یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان و سیاستمداران این عصر تبدیل شود. اما این رویداد مهم با سرنوشت بسیاری از کشورها و دولت‌ها پیوند خورد و به عنوان الگوی یک نهضت بیداری دینی، مورد توجه بسیاری از ملت‌های آزاده، به ویژه جهان اسلام قرار گرفت.

البته اهمیت این موضوع برای مردم ایران و خصوصاً نخبگان فکری، مذهبی و سیاسی جامعهٔ ایرانی به دلایل گوناگون، از نمود بیشتری برخوردار است زیرا اولاً، به گونه‌ای سرنوشت اسلام اصیل در جهان امروز، با انقلاب اسلامی ایران پیوند خورده است که هر گونه سهل‌انگاری، سستی و کوتاهی در حفظ و تداوم انقلاب، می‌تواند صدمه و ضربه‌ای بر پیکر اسلام راستین باشد.

چنانچه امام خمینی(ره) می‌فرماید: «مروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است و اگر مسامحه کنند در این امر اهمل کنند، مسئولیت متوجه خود آنهاست. اگر شما مسامحه کنید، آنهاپی که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آنهاپی که با اسلام مخالفند، آنهاپی که با جمهوری اسلامی

صفحه ۸
چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۳
۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۶ – شماره ۲۰۹۹۹

دانشگاه در جهه – ۱۰۱



شهید منصور مهدوی در سال ۱۳۳۶ در زنجان دیده به جهان گشود. او نخستین بار در فروردین سال ۱۳۶۰ از طرف سپاه پاسداران به عنوان بسیجی پاسدار به جهه اعزام شد.

در جهه مسئول تیم شاسایی بود و در مناطق اهواز و سوسنگرد فعالیت می کرد. از زمان اعزام به جهه تا شهادتش تنها حدود ۶ ماه طول کشید.

او در دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی پذیرفته شده و حدود سه ماه در این رشته تحصیل کرده بود.

این شهید سرانجام بر اثر اصابت ترکش به ازروی دیرینه اش که همان شهادت در راه معبودش بود نائل شد و در تاریخ ۵ مهر ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

در گوشه‌هایی از وصیت نامه شهید دانشجو «منصور مهدوی» می‌خوانیم:

توصیه ام به امت مسلمان این است که در سایه ایمان به خدا خود را تحت رهبری های آگاهانه امام عظیم الشان حفظ کنید و بدانید که دشمن همواره از ایمان به الله و وحدت شما در حراس است. با تمام قوا از دستاوردهای انقلاب اسلامی‌مان دفاع کنید که این بار سنگین را شهدا با نثار خون پاکشان بر دوش شما گذاشته‌اند و تا می‌توانید فدایاتان را بر سر شیطان بزرگ آمریکا و سایر جنایتکاران بلند کنید که به قول امام عزیز آنها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

آینده انقلاب اسلامی و تمدن نوین جهانی

از اول تا حالا مخالفت کرده‌اند، آنها خواهند پیش برد و اگر چنانچه خدای نخواستہ آنها پیش ببرند، تمام مسئولیتش به عهدهٔ شماست. مراجع مسئولند، علمامسئولند، همه مسئولند، تمام قشرهای مملکت امروز مسئولند.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «با هم باشیم، اگر با هم نباشید شکست می‌خورید، اگر شکست بخورید اسلام شکست می‌خورد، اگر خدای خواسته در این نهضتی که شده است اسلام شکست بخورد، دیگر سرش را از سال‌های طولانی بلند نمی‌تواند بکند، برای اینکه ابرقدرت‌ها فهمیدند اسلام قدرت دارد شما این قدرت اسلامی را حفظ کنید از خدای تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا می‌کنم که ما را بیدار کند، مسلمین را بیدار کند.»

ثانیاً به سبب ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلام به عنوان بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی و به منظور تحقق اهداف عالی اسلام و اجرای احکام اسلامی، بحث از آینده و گویونگی تحقق آن، بیش از پیش ضروری می‌نماید.

امام خمینی(ره) به دنبال رأی عموم مردم ایران به جمهوری اسلامی فرمودند:

«آنچه گذشته است بحمد الله خوب گذشت، لکن آنچه مهم است، این است که تکلیف ما در حال، چه است و در آینده؟ ما باز جمهوری اسلامی را به آن طور که می‌خواهیم، تحقق پیدا نکرد. البته الان رژیم فعلی برحسب فرآندومی می‌شد، رژیم جمهوری اسلامی است، لکن ما مقصودمان نبود که فقط رأی بدهیم به جمهوری اسلامی و برویم کنار. ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم که احکام اسلام در آن جمهوری تحقق پیدا کند.»

علاوه بر اینکه با شناخت واقعی مؤلفه‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی و تبیین آرمان‌ها و اهداف اصل آن و ترسیم و طراحی آینده مطابق آرمان‌ها، اصول و اهداف، وظیفه و تکلیف امروز، ما در چگونگی اعمال و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روشن می‌شود و با توجه به فضای سیاسی امروز که مدعیان، با دیدگاه‌های متضاد، جنگلی خود را پیرو خط اصیل انقلاب می‌دانند، مسیر و راه حقیقی تبیین و خط نفاق آشکار می‌شود.

شهید مطهری، ماهیت انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ را اسلامی می‌داند. به این معنی که در همه جهات مادی و معنوی و سیاسی و عقیدتی، روح و هویتی اسلامی حاکم است و تداوم و به

ثمر رسیدن آن نیز بر همین مبنا و اساس اسلامی، امکان پذیر خواهد بود. علاوه بر این که، کوشش در جهت حفظ هویت اصیل انقلاب و استمرار اسلامی بودن آن را وظیفه همه مردم می‌داند.

شهید مطهری، همچنین به ابعاد جامع و فراگیر مفهوم اسلامی بودن پرداخته و می‌گوید: «از نظر ما این انقلاب، اسلامی بوده است، اما منظور از اسلامی بودن باید روشن گردد. بعضی‌ها فکر می‌کنند مقصود از اسلام، تنها همان معنویت است که در ادیان بطور کلی و از جمله اسلام وجود دارد. گروه دیگر می‌پندارند، اسلامی بودن به معنای رایج مناسک مذهبی و آزاد بودن انجام عبادات و آداب شرعی است. اما با وجود این تعبیرات، لاقابل بر ما روشن است که اسلام، معنویت محض، آن چنان که غربیها درباره مذهب می‌اندیشند، نیست.»

ایشان در ادامه با مشابه دانستن انقلاب اسلامی و انقلاب صدر اسلام، می‌گوید: «نقلاب صدر اسلام، در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی، معنوی، اقتصادی و مادی نیز بود. یعنی حریت، آزادی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکافهای طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. راز موفقیت نهضت ما هم به همین‌ها بوده است.»استاد شهید، انقلاب اسلامی را راهی می‌داند که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه، صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. به عبارتی، ایشان معتقد به انقلاب اسلامی هستند، نه اسلام انقلابی؛ یعنی درست نیست که اسلام فقط برای مبارزه آمده و هدفی جز آن ندارد. بلکه باید گفت در اسلام دستورات بی‌شماری وجود دارد، که یکی از آنها مبارزه است. ایشان همچنین می‌فرمایند: «فوی‌ترین حربهٔ دفاعی این انقلاب و مؤثرترین اسلحه پیشرفت آن، ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. غرب از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است، اگر شوق بیدار شود و خود اسلامی خود را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، بی‌اثر بوده یا خواسته برخواهد آمد. راه این بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است.»و سپس نتیجه می‌گیرد: «انقلاب ما آن وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم. مکتبمان را بدون خجلت و شرمندگی آنچنان که واقعا هست به جهانیان عرضه کنیم اما اگر قرار است به اسم اسلام یک مکتب تقاطعی شکل شود و بگوییم اینست اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند.»

محمد باقر خسروشاهی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی